

بسم الله الرحمن الرحيم

مقارن جلسه پانزدهم ۱۳۹۶/۰۸/۰۷

لزوم پاسخگوئی روشمند به شبهات (۱۵) - شایستگی های لازم یک پاسخگو به شبهات!

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لا سيما على مولانا بقیة الله و اللعن الدائم على أعدائهم أعداء الله الى يوم لقاء الله ما بحث اول را که عبارت از «مقدمه» بود عرض کردیم و سؤالاتی هم طرح شد. قرار شد دوستان جواب این سؤالات را به فارسی یا عربی مرقوم بفرمایند. البته دیروز چند تن از بزرگواران این جوابها را به ما دادند که از ایشان تشکر می‌کنم.

در قسمت دوم که در حقیقت بحث دوم ما هست، پنج سؤال داریم؛ ما این سؤالات را هم در ابتدا مطرح می‌کنیم و هم در پایان بحث می‌آوریم.

سؤال اول: "ما المقصود من المؤهلات الذاتية و الإکتسابية التي ينبغي توفرها فی المجيب عن الشبهات"؛

شایستگی‌های ذاتی و اکتسابی که باید یک پاسخگو به شبهات و یک مناظر داشته باشد چیست؟!

کسی که می‌خواهد به شبهات پاسخ بدهد یا در مناظرات حضور داشته باشد اولاً به یک سری شایستگی‌های ذاتی نیاز دارد و ثانیاً شایستگی‌های اکتسابی نیاز دارد. بعضی از افراد اصلاً ذاتاً روحیه چالشی ندارند و می‌خواهند آهسته بیایند و آهسته بروند تا گربه شاخشان نزنند!!

افتادن در حوزه بحث و مناظره و پاسخگویی به شبهات، به اعصاب قوی، روحیه بالا و همچنین عشق و علاقه گسترده‌ای نیاز دارد. بعضی افراد ذاتاً این چنین نیستند که این چنین افراد به درد حوزه پاسخگویی به شبهات

نمی‌خورند. اگر این افراد وارد حوزه پاسخگویی به شبهات شوند در همان روزهای اول خسته می‌شوند و دست از کار می‌کشند. ما مواردی را آوردیم.

سوال دوم:

در سؤال دوم گفتیم دو مورد از آنها به اختصار بیان شود.

سوال سوم: "تکلم عن الثقة بالنفس و دورها فی تعزیز قدرة المجیب عن الشبهات"؛ یکی از شرایطی که در پاسخگویی به شبهات وجود دارد بحث اعتماد به نفس است. اگر اعتماد به نفس در انسان وجود نداشته باشد و با هر سخنی رأی انسان عوض شود و با وزش هر بادی تغییر جهت بدهد قطعاً موفق نخواهد شد.

سؤال چهارم ما در رابطه با شایستگی‌های اکتسابی است. شایستگی‌هایی که انسان باید آن را به دست بیاورد. این موارد ذاتی نیست، بلکه اکتسابی و تحصیل کردنی است.

سؤال پنجم: "کیف تشکیلوا معرفة آلیات البحث و أصوله عنصراً فاعلاً من عناصر المؤهلات المكتسبة"؛ یک سری ابزار و وسایلی وجود دارد که از عناصر شایستگی‌های اکتسابی است. انسان باید این ابزار و وسایل را در اختیار داشته باشد.

اگر امروزه کسی بخواهد بدون استفاده از نرم افزارهای علوم اسلامی کار کند و به شبهات پاسخ دهد کلاش پس معرکه است. شما به دنبال روایتی می‌گردید که باید ساعت‌ها و هفته‌ها کتب را ورق بزنید تا این روایات را پیدا کنید.

شما می‌توانید از طریق کامپیوتر دو یا سه کلمه از کلمات کاربردی روایت را تایپ کنید و ببینید در کمتر از یک یا دو ثانیه دویست مصدر در اختیار شما قرار می‌دهد. در حقیقت نرم افزار امکاناتی در اختیار شما قرار می‌دهد که از اتلاف وقت در رسیدن به هدف جلوگیری می‌کند و سریعاً انسان را به مقصود می‌رساند. و یا فضای مجازی و

سایبری؛ گاهی اوقات انسان مدت زمانی طولانی به دنبال روایتی می‌گردد که نمی‌تواند آن را در نرم افزارها پیدا کند. بارها اتفاق افتاده که هرچه گشتیم نتوانستیم روایت مورد نظر را در نرم افزارهای علوم اسلامی پیدا کنیم.

مادامی که از اینترنت کمک می‌گیریم و قسمتی از روایت را جستجو می‌کنیم، می‌بینیم در سایت‌های مختلف و یا کتاب‌هایی که در سایتها گذاشته شده این روایت موجود است. که این کتب در نرم افزارها وجود ندارد. همچنین افرادی در گوشه و کنار دنیا روی مقالاتی کار کردند که این روایت را در آن مقاله یا وبلاگ خودشان آوردند. بنابراین ما باید تلاش کنیم از این ظرفیت‌ها حداکثر استفاده را داشته باشیم.

اگر ما منتظر باشیم تا پاسخ شبهه‌ای که از سوی دیگران گردآوری شده را مطالعه کنیم یا آن را کپی کنیم و از آن استفاده کنیم، زبیده پاسخگو به شبهات نیست.

در حال حاضر در فضای مجازی در بعضی از کانال‌هایی که بچه‌های داخل کشور آن را راه اندازی کردند مشاهده می‌شود که الحق و الانصاف در جواب به شبهات وهابیت نوآوری‌هایی دارند که بنده وقتی مطالعه می‌کنم از آن لذت می‌برم. بنده می‌بینم که این افراد الحق و الانصاف زحمت کشیدند و فرصت کافی هم دارند. به قول معروف احتیاج، کلید حل مشکلات است!!

این افراد زمانی که می‌بینند شبهه‌ای در کانال، سایت یا گروه وهابی آمده است تلاش می‌کنند و خود را به زمین و زمان می‌زنند تا برای آن پاسخی پیدا کنند. این تلاش‌ها باعث می‌شود که این افراد مدارک و پاسخ‌هایی به دست آورند.

در حال حاضر بنده بیش از سی سال است که در حوزه پاسخگویی به شبهات کار می‌کنم و می‌توانم به جرئت بگویم کمتر کسی از میان دوستان هم ردیف ما است که در حوزه پاسخگویی به شبهات به اندازه ما درگیر باشد! ولی بنده مشاهده می‌کنم بچه شیعه‌ها در بعضی از گروه‌ها جواب‌هایی می‌دهند که برای من تازگی دارد. آنها به

مدارکی استناد می‌کنند که واقعاً برای من تازگی دارد. غالباً زمانی که بنده وارد این گروه‌ها می‌شوم سریع بعضی از قسمت‌ها را کپی می‌کنم، در جایی نگه می‌دارم تا روزی از آن استفاده کنم.

همچنین بنده مثلاً به بعضی از شبهات پنج جواب دادم، اما مشاهده می‌کنم که بعضی افراد در بعضی از گروه‌ها شش یا هفت جواب به این شبهه دادند و دو جواب خوب و متقن بیشتر از جواب ما به این شبهات دادند. لذا ما باید بتوانیم از این امکانات استفاده کنیم.

بنده اسامی بعضی از کانال‌های موفق در این زمینه را قبلاً گفتم که در فرصت مناسب بعضی از کانال‌هایی که خوب کار می‌کنند، تند نیستند، مؤدب و گسترده کار می‌کنند را نام خواهم برد. البته عزیزان دقت داشته باشند انتظار نداشته باشید همین که وارد کانال یا گروهی شدید همان دفعه اول مطالب خوبی به دستتان برسد.

گاهی اوقات انسان در کانالی چندین روز وقت صرف می‌کند، مطالب آن‌ها را مطالعه می‌کند و در این فرصت یک یا دو مطلب اساسی به دست می‌آورد. همین مقدار هم غنیمت است. انسان باید در این زمینه مقداری دقت کند.

بنده توفیق داشتم ۱۴ سال در بحث خارج حضرت آیت الله العظمی شبیری زنجانی شرکت کنم. گاهی اوقات اتفاق می‌افتاد که ما دو هفته خدمت ایشان می‌رفتیم و می‌دیدیم مطالبی را مطرح می‌کند که ما خودمان هم مطالعه کردیم و حضور ذهن داریم. بعداً در آخر هفته دوم می‌دیدیم که ایشان به نکته ظریفی اشاره می‌کنند که آن نکته یک نکته اساسی و ریشه‌ای است.

لذا در مطالعه بعضی از مقالات یا کتب اگر دوستان در ابتدای امر مطلب جذاب و جالبی گیرشان نیامد خسته نشوند و کتاب یا مقاله یا کانال را نبندند.

این قسمت اول؛ اما در رابطه با شرایط کسی که متصدی پاسخ به شبهات است، مطالبی را بیان خواهیم کرد. ما در گذشته ضررهایی که شبهات دارند و به اعتقادات یک فرد و هم به جامعه انسانی ضرر می‌زنند اشاره کردیم. ضرر شبهات خطری است که انسان امروز بیش از هر زمانی آن را لمس می‌کند. حضور در فضای مجازی که به تعبیر مقام معظم رهبری به قتلگاه جوانان تبدیل شده نه تنها کمتر از حضور در میدان جنگ نیست، بلکه به مراتب بالاتر از میدان جنگ است.

دشمنان در میدان جنگ نهایتاً خاک کشور اسلامی را تصرف می‌کنند، اما در جنگ اعتقادی عقاید و ایمان جوانان ما را نابود و تصرف می‌کنند. لذا می‌بینیم که ائمه طاهرین (علیهم السلام) در این حوزه مطالب جذابی دارند که سابقاً به بعضی از آن‌ها اشاره کردیم.

«[عُلَمَاءُ] شِيعَتِنَا مُرَابِطُونَ فِي الثُّغْرِ - الَّذِي يَلِي إِبْلِيسَ وَ عَفَارِيئُهُ، يَمْتَعُونَهُمْ عَنِ الْخُرُوجِ عَلَى ضَعْفَاءِ شِيعَتِنَا، وَ عَنِ أَنْ يَتَسَلَطَ عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ وَ شِيعَتُهُ التَّوَّاصِبِ»

علمای شیعه ما مرزداران مرزهایی هستند که ابلیس و عفریتهای او از آنجا حمله می‌کنند. آنان سپاه ابلیس را از هجوم بردن بر ناتوانان شیعه باز می‌دارند و از چیره شدن ابلیس و پیروان دشمن خوی او بر ایشان جلوگیری می‌کنند.

بعد حضرت می‌فرماید:

«أَلَا فَمَنْ انْتَصَبَ لِذَلِكَ مِنْ شِيعَتِنَا كَانَ أَفْضَلَ مِمَّنْ جَاهَدَ الرُّومَ وَ التُّرُكَ وَ الْخَزَرَ أَلْفَ مَرَّةٍ، لِأَنَّهُ يَدْفَعُ عَنِ أَدْيَانِ مُجِبِّيئِنَا، وَ ذَلِكَ يَدْفَعُ عَنِ أَبْدَانِهِمْ»

آگاه باشید هرکسی از شیعه ما خود را به این مزداری برگمارد مقامش از کسانی که با رومیان جهاد کردند یک میلیون بار بالاتر است. بدان جهت که این مزدار از دین دوستان ما دفاع می‌کند، در صورتی که آنها از بدن ایشان دفاع می‌کنند.

التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري عليه السلام، نویسنده: حسن بن علی، امام یازدهم علیه السلام، محقق / مصحح: مدرسه امام مهدی علیه السلام، ص ۳۴۳، ح ۲۲۱

«مُرَابُطُونَ» به معنای کسانی هستند که در مرزها مرزبانی می‌کنند و از نفوذ اجانب جلوگیری می‌کنند. «التَّغْرِ» به معنای مرز است.

همچنین در جلسه قبل روایتی از امام جواد (علیه السلام) خواندیم که حضرت می‌فرماید:

«مَنْ تَكْفَلَ بِأَيْتَامِ آلِ مُحَمَّدٍ ... فَضْلُهُمْ عَلَى الْعِبَادِ كَفَضْلِ الْقَمَرِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ عَلَى أَخْفَى كَوْكَبٍ فِي السَّمَاءِ»

کسی که سرپرستی یتیمان آل محمد را به عهده بگیرد ... او بر دیگر بندگان خدا فضیلت دارد همچنانکه ماه شب چهارده بر مخفی ترین ستاره آسمان فضیلت دارد.

الإحتجاج علی أهل اللجاج، نویسنده: طبرسی، احمد بن علی، محقق / مصحح: خراسان، محمد باقر، ج ۱، ص ۱۷

روایت بسیار جالبی در کتاب «الإحتجاج» اثر مرحوم «طبرسی» از امام هادی (علیه السلام) نقل شده است که حضرت می‌فرماید:

«لَوْ لَا مَنْ يَنْقَى بَعْدَ غَيْبَةِ قَائِمِكُمْ عَ مِنَ الْعُلَمَاءِ الدَّاعِينَ إِلَيْهِ وَ الدَّالِّينَ عَلَيْهِ وَ الدَّائِبِينَ عَنْ دِينِهِ بِحُجَجِ اللَّهِ وَ الْمُتَّقِدِينَ لِضَعْفَاءِ عِبَادِ اللَّهِ مِنْ شِبَاكِ إِبْلِيسَ وَ مَرَدَّتِهِ وَ مِنْ فِخَاخِ التَّوَاصِبِ لَمَا بَقِيَ أَحَدٌ إِلَّا ارْتَدَّ عَنْ دِينِ اللَّهِ»

اگر علماء در دوران غیبت که مردم را به طرف حضرت ولی عصر دعوت می‌کنند، مردم را راهنمایی می‌کنند و از دین حضرت ولی عصر دفاع می‌کنند با حجت‌های الهی که در اختیار دارند بندگان ضعیف الهی را از دام شیاطین و لانه‌های نواصب نجات می‌دهند نبودند، همه از دین خدا مرتد می‌شدند.

«وَلَكِنَّهُمْ الَّذِينَ يُمْسِكُونَ أَزْمَةَ قُلُوبِ ضَعَفَاءِ الشَّيْخَةِ كَمَا يُمْسِكُ صَاحِبُ السَّفِينَةِ سَكَانَهَا أَوْلَيْكَ هُمْ
الْأَفْضَلُونَ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ»

این افراد هستند که قلوب شیعیان ضعیف ما را محکم می‌کنند و آنها را از سقوط نجات می‌دهند همانطور که ناخدای کشتی ساکنان کشتی را از غرق شدن نجات می‌دهد. این افراد نزد خداوند عالم افضل هستند.

الإحتجاج على أهل اللجاج، نویسنده: طبرسی، احمد بن علی، محقق / مصحح: خراسان، محمد باقر، ج ۱،

ص ۱۸، فصل فی ذکر طرف مما أمر الله فی کتابه من الحجاج و الجدل

همچنین در روایت «کافی شریف» وارد شده است که «معاویة بن عمار» می‌گوید:

«قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَجُلٌ رَأَوِيَهُ لِحَدِيثِكُمْ يَبُتُّ فِي النَّاسِ وَ يَشَدُّهُ فِي قُلُوبِهِمْ وَ قُلُوبِ
شِيعَتِكُمْ»

از ابا عبدالله پرسیدم: بعضی از شیعیان هستند که احادیث شما را نقل می‌کند، آن را میان مردم منتشر می‌کند و این احادیث را در قلب شیعیان شما محکم می‌کند.

«وَلَعَلَّ عَابِدًا مِنْ شِيعَتِكُمْ لَيْسَتْ لَهُ هَذِهِ الرَّوَايَةُ أَيُّهُمَا أَفْضَلُ»

بعضی دیگر از شیعیان هستند که اهل عبادت و زهد هستند، شب تا صبح نماز می‌خوانند و روزها روزه می‌گیرند. کدامیک از این شیعیان افضل هستند؟!

این افراد دائماً در تلاش هستند تا عبادت خداوند را به جای بیاورند و مرتب قرآن و نماز می‌خوانند. حضرت فرمودند:

«قَالَ الرَّأْيِيُّ لِحَدِيثِنَا يَشُدُّ بِهِ قُلُوبَ شِيعَتِنَا أَفْضَلُ مِنْ أَلْفِ عَابِدٍ»

حضرت فرمود: کسانی که که احادیث ما را نقل می‌کنند و قلب شیعیان ما را با این احادیث محکم می‌کنند برتر از هزار عابد هستند.

الكافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۱،

ص ۳۳، ج ۹

این موارد نمونه‌ای از روایات ائمه طاهرين (عليهم السلام) در رابطه با تشویق صحابه و تشویق شیعه برای حضور در عرصه پاسخگویی به شبهات و تقویت مبانی اعتقادی بچه شیعه‌هاست.

این روایات اولاً و بالذات متوجه ما حوزویان و طلاب است. امام صادق (علیه السلام) با کارخانه‌داران، سرمایه‌داران و بازاریان کاری ندارد. گرچه از میان آن‌ها هم افرادی در این حوزه وجود دارند که پیشکشوت و پیشقدم هستند و کار می‌کنند، اما سخنان ائمه طاهرين (عليهم السلام) متوجه ماست!

اگر ما بخواهیم در این حوزه کوتاه بیاییم، مخصوصاً در این دنیای پرغوغایی که در آن قرار داریم و از در و دیوار شبهات می‌بارد و خودمان را به اموری مشغول کنیم که نه به دین، نه به دنیا و نه برای آخرت ما منفعتی دارد، ضرر خواهیم کرد.

بارها اتفاق افتاده که ما به کشورهای خارجی می‌رویم و با عزیزان طلبه مخصوصاً غیر ایرانیانی که در ایران هستند صحبت می‌کنیم؛ در سفری که چندین هفته آفریقا بودیم و در آنجا برنامه داشتیم، می‌گفتند ما هشت

سال یا ده سال در ایران بودیم و در آنجا مطالبی به ما یاد دادند که در اینجا اصلاً از آن‌ها استفاده نمی‌کنیم. امروز جوانان از ما سؤالاتی می‌پرسند که ما جوابی برای گفتن نداریم!!

بنده با جناب آقای «اعرافی» و دوستان دیگر چندین بار در این خصوص صحبت کردیم. ان‌شاءالله بعد از اربعین تصمیم داریم این برنامه پنج‌شنبه‌ها مبنی بر «پاسخ به جدیدترین شبهات و هابیت» را ادامه دهیم، زیرا خروجی خیلی خوبی داشتیم.

ما وقتی به شهرستان‌ها یا کشورهای خارج می‌رویم و با طلاب آنجا مواجه می‌شویم، همه می‌گویند: ما از بحث‌هایی که شما در فیضیه داشتید خیلی استفاده کردیم. این برنامه خیلی مفید است؛ ما چندین سال بود که روزهای پنج‌شنبه این برنامه را داشتیم و استقبال خوبی هم بود.

پرسش:

کسی زحمات حضرت‌عالی را منکر نیست، اما در مجموع حوزه از این فعالیت‌ها حمایت نمی‌کند.

پاسخ:

مگر حوزه برای بنده برنامه‌ریزی کرده است؟! بنده خودم شروع کردم. آیا برای «علامه امینی» (رضوان الله تعالی علیه) حوزه برنامه‌ریزی کرد؟! آیا برای «میر حامد حسین» حوزه برنامه‌ریزی کرد؟!

اگر شما در زمان ما بودید چکار می‌کردید؟! روزی که ما می‌خواستیم امتحان سطح ۳ بدهیم در یک روز در مسجد اعظم تمام مکاسب، رسائل و مکاسب کتاب «کشف المراد» اثر «علامه حلی» را امتحان دادیم. ما پیش از ظهر کفایتین و بعد از ظهر هم رسائل و مکاسب را امتحان دادیم.

ما در یک روز تمام این کتب را امتحان دادیم. اگر زمان ما شرایط حالا بود شادی می‌کردیم. بنده نمی‌دانم روش‌های درس خواندن دوستان چیست، اما ما روش‌های خاصی داشتیم. به عنوان مثال مکاسب را از ابتدا تا

انتها به صورت سؤال و جواب درآوردیم. ما به متن کتاب کاری نداشتیم، بلکه بعد از اذان صبح و نماز خواندن در حرم با دوستان در باغ انار نزدیک بیت امام خمینی می‌رفتیم و تا نزدیک ظهر سؤالات را از هم می‌پرسیدیم. در ادامه به حجره می‌آمدیم، مقداری استراحت می‌کردیم و دومرتبه ساعت سه می‌رفتیم و تا اذان مغرب زیر درخت‌ها مشغول مطالعه و مباحثه بودیم. ما دروس کفایتین را هم به همین شکل می‌خواندیم و از ابتدا تا انتهای کتاب را به صورت سؤال و جواب درآورده بودیم.

اخیراً شنیدم بعضی از آقایان این زحمت را کشیدند و کتاب‌های آماده وجود دارد، اما ما خودمان این سؤالات را در می‌آوردیم. زمانی که خود انسان این سؤالات را استخراج کند راحت در ذهنش می‌ماند، اما اگر دیگران سؤالات را درآورده باشند قیمت زیادی ندارد.

ما باید مقداری دقت کنیم تا از این فرصت‌ها حداکثر استفاده را داشته باشیم. اگر ما برنامه ریزی داشته باشیم تمام برنامه‌های ما درست خواهد شد، اما اگر برنامه ریزی نداشته باشیم موفق نخواهیم شد.

بنده بارها گفته‌ام که یکی از مراجع بزرگوار در سال ۱۳۵۱ به منزل ما آمده بودند. ما یک منزل ۷۰ متری در قم نو خریده بودیم. ایشان گفتند: بنده برای شما کادویی آوردم و آن هم این است که اگر می‌خواهید موفق شوید ابتدای صبح برنامه ریزی کنید.

باید همانند بچه دبستانی‌ها بنویسید که از ساعت فلان تا ساعت فلان چه کاری می‌خواهید انجام دهید. تمام این موارد را بنویسید، حتی اگر می‌خواهید ولگردی کنید هم با ذکر ساعت آن را بنویسید و بعد از آن، برنامه بعد را ترک نکنید.

اگر ما به این شکل برنامه ریزی کنیم و طبق برنامه عمل کنیم همه چیز داریم. ولی اگر برنامه ریزی نکنیم و زمانی که به منزل رفتیم وقت خود را به بطالت بگذرانیم هیچ فایده‌ای ندارد. در این صورت مشاهده می‌کنید در طول هفته و ماه و سال به جایی نمی‌رسید.

سفارش من به دوستان این است که اگر می‌خواهند موفق شوند باید برنامه ریزی کنند؛ مخصوصاً برای روزهای تعطیل! ما در طول سال ۳۶۵ روز داریم که حداکثر ۱۲۰ روز در حوزه کلاس داریم. حال مشاهده کنید که ما چقدر روزهای تعطیلی داریم.

اگر ما برنامه ریزی خوب مخصوصاً برای روزهای تعطیلی خود داشته باشیم علامه دهر خواهیم شد. بنده معتقدم که مهمانی دادن و مهمانی رفتن برای طلبه سم است و جز اتلاف وقت چیز دیگری نیست. هم جیب طلبه خالی شود و هم وقت او را به هدر می‌دهد. ما باید صله رحم در حدی که واجب است را انجام دهیم و بالاتر از صله رحم نباید از روی درس و بحث مان جدا شویم.

اگر شما پنج سال این چنین درس بخوانید دیگر گلایه نمی‌کنید که به رسائل، مکاسب و برنامه‌های دیگر نمی‌رسیم. بزرگوارانی که مشاهده می‌کنید به جایی رسیدند با این تلاش و پشتکار بوده است. آقازاده «مرحوم مامقانی» صاحب کتاب «تنقیح المقال» برای من نقل می‌کردند: زمانی که پدرم مشغول نوشتن کتاب «تنقیح المقال» بود فرصت غذا خوردن نداشت. مادرم این صحنه را مشاهده می‌کرد که ضعف بر پدرم غالب شده، لقمه درست می‌کرد، و در لای کتاب‌های ایشان می‌گذاشت. ایشان وقتی در حال مطالعه لقمه را می‌دید آن را بر می‌داشت و می‌خورد.

در شرح حال «مرحوم سید محسن امین» صاحب کتاب «اعیان الشیعه» نقل شده است که وقت غذا خوردن همشیره ایشان لقمه درست می‌کرد و در دهان ایشان می‌گذاشت و ایشان همچنان مشغول نوشتن و مطالعه کردن بود. این افراد به این شکل کار کردند.

«صاحب جواهر» که فرزند جوان خود را از دست داده بود. وقتی مردم برای تشییع جنازه آمده بودند، مشاهده کردند که «صاحب جواهر» در گوشه‌ای از قبرستان مشغول نوشتن جواهر است. یکی از اطرافیان به ایشان گفت: مردم برای تشییع جنازه پسر شما آمدند!

ایشان در جواب گفت: من نذر کردم هر روز چندین صفحه از این کتاب را بنویسم. می‌ترسم اگر الآن این مطالب را ننویسم فرصت نکم و کفاره به گردن من بیاید. مشاهده کنید که این افراد به وقت خود این چنین اهمیت می‌دادند.

مرحوم آیت الله فاضل لنکرانی می‌گفتند: مشهور است که می‌گویند وقت طلاست، اما اشتباه است. اگر طلا از دست برود می‌توان آن را به دست آورد، اما اگر وقت از دست برود نمی‌توان آن را به دست آورد. لذا ان شاء الله عزیزان ما در این حوزه مقداری دقت بیشتری کنند.

در هر صورت...

بحثی که در رابطه با «یونس» هست عبارت زیبایی است و اولین حدیث از باب «کتاب الحجة» در کتاب «کافی» است. در این حدیث ارزش پاسخگویی به شبهات و نظر امام صادق (علیه السلام) نسبت به اصحابشان که در حوزه پاسخگویی به شبهات، یا در حوزه مناظرات فعال بودند، تشویق آنها توسط حضرت و تأسف حضرت برای کسانی که در این حوزه کار نکردند آمده است:

«یا یونس لَوْ كُنْتَ تُحْسِنُ الْكَلَامَ كَلَّمْتَهُ»

یا یونس! اگر واقعاً در علم کلام آگاهی داشتی با این مرد شامی مناظره می‌کردی.

«قَالَ يُونُسُ فَيَا لَهَا مِنْ حَسْرَةٍ»

یونس می‌گوید: کاش در این زمینه اطلاعات داشتم.

الكافي، نویسنده: كلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۱،

ص ۱۷۱، ح ۴

او حسرت می‌خورد که ای کاش در این زمینه اطلاعاتی داشتم تا می‌توانستم با مرد شامی مناظره کنم. ادامه این مطالب را جلسه بعد بیان خواهیم کرد.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته